

إضاءة

من جهاد بني إسرائيل

روشنگری

از جهاد بنی اسرائیل

قصة طالوت :

داستان طالوت:

جماعة طالوت هم جماعة مؤمنة من بني إسرائيل حبسوا أنفسهم على أمر الله سبحانه وتعالى، وحاشا لله سبحانه وتعالى أن يترك من حبسوا أنفسهم على أمره دون أن يفرج عنهم، فلم يقبلوا حاكمية الناس والانتخابات لاختيار ملك لهم، بل طلبوا من الله سبحانه وتعالى أن يعين لهم ملكاً؛ لأنهم مؤمنون بحاكمية الله سبحانه وتعالى ولا يرضون بالبديل الشيطاني عنها، وهو حاكمية الناس:

جناح طالوت عدهای از مؤمنان بنی اسرائیل بودند که خود را وقف فرمان خداوند سبحان و متعال کرده بودند، و از ساحت خداوند سبحان و متعال بسی به دور است که کسانی را که خود را برای فرمانش وقف کرده‌اند بدون اینکه فرج و گشایشی برایشان قرار دهد، رها نماید؛ در حالی که اینان حاکمیت مردم و انتخابات برای تعیین پادشاه بر خود را نمی‌پذیرفتند، بلکه از خداوند سبحان و متعال خواستند که برای آنها پادشاهی تعیین کند؛ چرا که آنها به حاکمیت خداوند سبحان و متعال ایمان دارند و به عوض شیطانی آن -یعنی حاکمیت مردم- راضی نمی‌شوند:

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذِ قَالُوا لِنَبِيِّ لَهُمْ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُنْتُمْ عَلَيكُمْ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا

وَمَا لَنَا إِلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿١﴾.

((آیا آن گروه از سران بنی اسرائیل را پس از موسی ندیدی آنگاه که به یکی از پیامبران خود گفتند: برای ما پادشاهی منصوب کن تا در راه خدا پیکار کنیم. گفت: آیا نپندارید که اگر قتال بر شما مقرر شود از آن سر باز خواهید زد؟ گفتند: چرا در راه خدا نجنگیم در حالی که ما از سرزمینمان بیرون رانده شده‌ایم و از فرزندانمان جدا افتاده‌ایم؟! و چون پیکار بر آنها مقرر شد جز اندکی از آن روی برتافتند؛ و خدا به ستمکاران آگاه است)) (۲).

ولكن هل تخلو جماعة مؤمنة من المنافقين ؟ وهكذا اعترض المنافقون على أمر الله سبحانه وتعالى:

اما مگر گروه مؤمنان از منافقان خالی می‌شود؟! و اینچنین منافقان بر فرمان خداوند سبحان و متعال اعتراض می‌کنند:

﴿وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٣﴾.

((پیامبرشان به آنها گفت: خداوند طالوت را به عنوان پادشاه شما برگماشت. گفتند: چگونه او را بر ما پادشاهی باشد؟! در حالی که ما سزاوارتر از او به پادشاهی هستیم و به او دارایی چندانی داده نشده است! گفت: خدا او را بر شما برگزیده و بر دانش و نیروی بدنی‌اش بیفزوده است، و خداوند پادشاهیش را به هر که خواهد می‌دهد، که خداوند گشاینده‌ی دانا است)) (۴).

1- البقرة: 246.

2- بقره: 246.

3- البقرة: 247.

4- بقره: 247.

والنتيجة سار طالوت بالمجاهدين ليقاتلوا في سبيل الله وإعلاء كلمة

الله:

و در نهایت طالوت به همراه مجاهدان برای پیکار در راه خدا و برافراشتن کلمه‌ی الله به راه افتاد:

﴿فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (5).

((چون طالوت، سپاهش را به راه انداخت، گفت: خداوند شما را به جوی آبی می‌آزماید؛ هر که از آن بخورد از من نیست و هر که از آن نخورد یا تنها کف دستی بیاشامد از من است. همه جز اندکی از آن نوشیدند. چون او و مؤمنانی که همراهش بودند از نهر گذشتند، گفتند: امروز ما را توان جالوت و سپاهش نیست. آنانی که یقین داشتند که با خدا دیدار خواهند کرد، گفتند: به خواست خدا، چه بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار غلبه کند، که خدا با کسانی است که صبر پیشه می‌کنند)) (۶).

وجاء الامتحان الإلهي ليميز الطيب من الخبيث، وليبين فضل أهل الفضل من هذه الجماعة المؤمنة:

و این آزمون الهی برای جدا ساختن پاک از خبیث و برای نمایان شدن فضیلت و برتری اهل فضل از میان این گروه مؤمن مقرر شده بود:

﴿.. إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ..﴾

((... خداوند شما را به جوی آبی می‌آزماید؛ هر که از آن بخورد از من نیست و هر که از آن نخورد یا تنها کف دستی بیاشامد از من است...)).

لم تكن مسألة عطش وشرب ماء، بل كانت مسألة إيمان هذه الجماعة بالله وبولي الله وخليفته في أرضه والتسليم له وطاعته، ومسألة اليقين بنصر الله وبفتح الله للمؤمنين به وبخليفته في أرضه، فظهرت تلك الفئات في ساحة المعركة، فئة استيقنت أمر الله فلا يبالي أفرادها إن وقعوا على الموت أو وقع الموت عليهم:

در اینجا مسئله‌ی تشنگی و آشامیدن آب مطرح نبود بلکه مسئله، ایمان این جماعت به خدا و به ولی خدا و خلیفه و جانشین او در زمینش و تسلیم شدن به او و اطاعت از او می‌باشد، مسئله‌ی یقین داشتن به یاری خداوند و به فتح و پیروزی خداوند برای مؤمنان به او و مؤمنان به جانشین او در زمینش می‌باشد، که برای آن گروه‌ها در میدان نبرد آشکار شد؛ عده‌ای که به خداوند یقین داشتند برایشان تفاوتی نمی‌کرد که به سوی مرگ بشتابند یا مرگ آنها را دریابد:

﴿قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾.

((آنانی که یقین داشتند با خدا دیدار خواهند کرد، گفتند: به خواست خدا، چه بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار غلبه کند، که خدا با کسانی است که صبر پیشه می‌کنند)).

وفئة ارتجفت أقدامهم لما رأوا ضخامة جيش جالوت ولكنهم حاربوا هذه النكسة في نفوسهم، أما الفئة الثالثة فقد خسروا المعركة في نفوسهم ولم يجدوا إلا الهزيمة يتحدثون عنها؛ لأنهم مهزومون من الداخل:

عده‌ای هنگامی که گستردگی و شکوه لشکر جالوت را دیدند پاهایشان لرزید، اما با این ضعف درونی خود مبارزه کردند؛ اما گروه سوم در این پیکار درونی زیان دیدند و از آن بهره‌ای جز شکستی که آن را بر زبان می‌رانند، نصیب‌شان نشد؛ چرا که آنها در واقع از درون شکست خورده بودند:

﴿قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ﴾.

((امروز ما را توان جالوت و سپاهش نیست)).

* * *